



## مربای تریاک

احسان الله سلام  
یک اُشتک پنجهزار ساله که اسمش را فراموش کرده است، از مدت دو سه صد سال بدین سو به نسبت خلل غرور ملی و موقعیت حساس جیوپولیتیک، مفقود شده است. یابنده لطفاً او را به ماموریت خودشناسی بیاورد؛ یک سیر امنیت، دو پادموکراسی و سه خورد جامعه مدنی شیرینی بگیرد.

به اساس فیصله شوروی امنیت و سفارش سازمان حقوق بشر، بعد از این هیچ کس حق ندارد در امور سیاسی و امنیتی از فال حافظ استفاده کند. گفته می شود که حافظ در سراسر دیوانش به منشور مصالحه ملی رأی مثبت داده و در جایی گفته است: «جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه / چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.»

در پایان فیصله، آمده است که بعد از این فال گرفتن فقط با قانون اساسی افغانستان مجاز است.

یک سخنگوی زبان کلوله در کنفرانس مطبوعاتی به خبرنگاران گفت: «اگر پاکستان یک بار دیگر بر حریم کشور ما تجاوز کند، برایش جواب دندان شکن خواهیم داد.»

خبرترانسان با هیجان پرسیدند: «چه جوابی؟» سخنگو گفت: «به همکاری مردم افغانستان، حمایت جامعه جهانی و با استفاده از اردوی ملی افغانستان، یک مصاحبه مطبوعاتی قوی برگزار می کنیم و به پرسش های شما پاسخ می دهیم.»

اداره اختلالات اداری و صدمات ملکی خبر می دهد که برای جلوگیری از تیزرانی رسانه یی و نرمکاری رسانه چی ها، اداره جدیدی را به نام «د لوی امنیت سارنوالی ترافیک وزارت» ایجاد کرده است.

شورای امنیت ملل متحد برای ریشه کن کردن فساد اداری در چورستان، از «تولسی» خواهش کرده است که به این کشور سفر کند و برای چند ماه در مقام های رییس دادگاه عالی و دادستان کل اجرای وظیفه کند. گفته شده که تولسی در این باره مشغول رایزنی با خشویش است.

- روز شصت و شکست، یکروز رخصتی عمومی.
- روز باران برف خورک، یکروز رخصتی عمومی.
- روز آمدن «هژده گانه»، نیم روز رخصتی نیمه عمومی.
- روزهای باریدن شبنم به روی برگ های گل ها، یکروز رخصتی عمومی.
- روزهای باریدن شدری، نیم روز رخصتی عمومی.
- روزهای باریدن ژاله، پنج روز رخصتی عمومی.
- روزهای بابه غرغری، ننه غرغری، کاکاغرغری، ماماغرغری، کاکاخسرغرغری، ماماخسرغرغری و الماسک، سه روز رخصتی.
- روزهای که در آسمان ابرهای سیاه قیرمانند نمایان شود، چهار روز رخصتی.
- روزهای خاکباد و ریگباد و پلاستیکباد و غیره باد، سه روز رخصتی عمومی.
- روزهای طوفان که درخت های گرم خورده و لوحه های لق و بق را می شکنند، سه روز رخصتی عمومی.
- روزهای باران شدید و کته دانه (فلمی وارو)، یکروز رخصتی نیمه عمومی.
- روزهای باران میده-میده (علف کشک)، دو روز رخصتی.
- روزهای آفتاب بارانک، نیم روز رخصتی عمومی.
- روزهای ابر عادی، نیم روز رخصتی.
- روزهای برآمدن کمان رستم (رنگین کمان)، که خطر تبدیل جنسیت دارد، یکروز رخصتی عمومی.
- روزهای آفتاب ترق (آفتاب متراق)، یکروز رخصتی عمومی.
- روزهای نیمه ابری، نیم روز رخصتی نیمه عمومی.
- روزهای نیمه آفتابی، دو و نیم روز رخصتی عمومی.
- یادداشت: کسانی که پیش از اعلان رخصتی، بالای وظایف خود رفته باشند، مسهولیت به شانه های خمیده خود شان می باشد!
- روزهای رخصتی در طول یک سال که به نازه گی کشفیده شده است
- انجنیر توخی
- باریدن خشک برف، یکروز رخصتی عمومی.
- باریدن تربرف، دو روز رخصتی عمومی.
- روزهای آفتاب برفک، یکروز رخصتی نیمه عمومی.
- باریدن برنجک، نیم روز رخصتی.
- روزهای پشه- پشه آمدن برف، نیم روز رخصتی نیمه عمومی.
- روزهای یخبندان بعد از برفباری که آسمان مثل شیشه صاف می باشد، سه روز ماتم... اوه، ساری! سه روز رخصتی عمومی.
- نخستین روز چله کلان، یکروز رخصتی عمومی.
- نخستین روز چله کوچک، یکروز رخصتی عمومی.
- برای برف جنگی، یکروز رخصتی نیمه عمومی.
- برای یخمالک زدن، نیم روز رخصتی عمومی.
- برای سرجه زدن، یکروز رخصتی عمومی.
- برای اسکی زدن، نیم روز رخصتی عمومی.
- برای ساختن آدمک برفی، یکروز رخصتی عمومی.
- آمدن برفکوچ، یک هفته رخصتی نیمه عمومی.
- روز نمکپاشی به روی یخک ها، یکروز رخصتی عمومی.
- روز پاک کاری سرک های کرورین رو، یکروز رخصتی نیمه عمومی.
- روزی که به روی شیشه ها یخ می بندد، نیم روز رخصتی نیمه عمومی.
- روزی که به روی شیشه تف می بندد، یکروز رخصتی عمومی.
- روز بالا شدن مه (غبار) از زمین، یکروز رخصتی نیمه عمومی.
- روز «برفکویه»، نیم روز رخصتی عمومی.
- روز آب شدن برف ها و یخ ها و پرشدن سرک ها از آب، یک هفته رخصتی عمومی.

### تذکره های گازی

از این که برق نیست و اگر هم باشد، خیلی گزاف تمام می شود؛ به زودترین فرصت طی چندین دهه آینده، تذکره های گازی، زغالی، چوبی، زغال سنگی، تیل خاکی، دیزلی، پترولی، سولری و... به وطنداران عزیز و کم طاقت توزیع خواهد گردید.

### اطلامیه حزب نق و جهالت

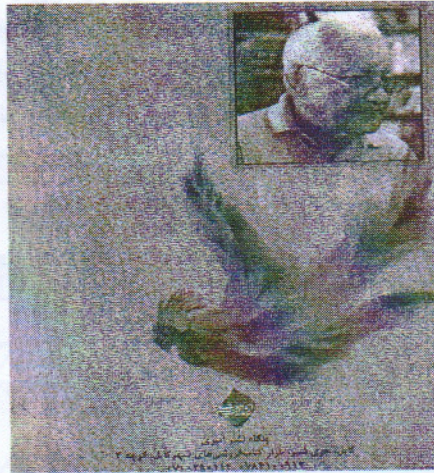
- ما جاسوس نیستیم، معاون معاون معاون سخنگوی جاسوس استیم.  
- ما در کشور شورواها به نام تحصیل رفتیم و در آنجا به عیش و نوش پرداختیم و حالا با نقاب ریش، خود را پنهان ساخته ایم.  
- هرکسی که خوب دروغ بگوید، خوب لاف و پتاق بزند، خوب چل و ول یاد داشته باشد، می تواند در حزب ما شامل شود... آمدن به پای خود تان و رفتن به دست ما...!

### برداشت ما از سیاست

کاکه تیغون

گفت که «تعریف سیاست بگو  
از دل آن راز گشامو به مو»  
داد جوابش که «دراین ره مپیچ  
چون که سیاست نبود غیر هیچ»  
در عجب افتاد که خود مشکش  
بهر سیاست بود اندر دلش  
چون که دلش نیز پر از هیچ بود،  
باد فقط، در خم و در پیچ بود  
باد زد و گفت: «همین است آن؟»  
لحظه به لحظه به کمین است آن؟»  
داد به ارواح سیاست به باد  
رفت سیاست دل و دردش نهاد

۱. استاد جلال نورانی از طنزپردازان موفق کشور است که علاوه از نگارش طنز، به ترجمه و تحقیق در زمینه طنز پرداخته است.  
۲. نقد، یکی از خواهرخوانده ها (سنگپایه های) طنز است.  
۳. این کتاب ها (کتاب های استاد رهنورد زریاب و استاد جلال نورانی) را انتشارات امیری چاپ کرده است. از اینکه انتشارات امیری بدون تقاضای ما، هزینه چاپ ماهنامه آچارخربوزه را به دوش گرفته است؛ ما بر خود دین می دانیم تا کتاب های منتشرشده و سایر کارکردهای فرهنگی و ادبی آنرا به رخ دیگران بکشیم!  
۴. استاد رهنورد زریاب نیز کارهای در زمینه طنز دارد.



«خلیفه رهنورد و کاکه هایش...»  
کتاب تحقیقی و نقدگونه تحت عنوان خلیفه رهنورد و کاکه هایش؛ کاکه نقره و کاکه شش پر؛ از خامه توانای جلال نورانی؛ طنزپرداز، پژوهشگر، مترجم، منتقد، نمایشنامه نویس و... و... کشور ما پوستین چاپ پوشید.  
این کتاب جالب، دو کتاب رهنورد زریاب؛ نویسنده شهیر کشور ما را مورد نقد و بررسی قرار داده است.  
کتاب دارای ظاهر و باطن زیبا در ۹۴ صفحه است که از سوی انتشارات امیری در سال ۱۳۹۵ شمسی چاپ شده است.  
شاید خواننده گرانقدر بپرسد که معرفی این کتاب در ماهنامه طنز آچارخربوزه چی ارتباط دارد؟!  
در پاسخ می گوئیم:



**ماده سوم:** هر روز پنج صبح از خواب برخاسته و برای بنده صبحانه و چای و چیلیم آماده کند.  
**ماده چهارم:** در مقابل کارها، آه به جگر نکشد. همانند عروس ته سری خور شرف گل.  
**ماده پنجم:** هیچگاه کدام مهمانی از طرف قوم و خویش ها و فامیل های وی قدم به خانه پسرم نگذارند.  
**ماده ششم:** برای مهمان ها و دوستان بنده، یعنی گروه عیب چینک، به موقع چیلیم پرکرده و چای هیلدار دم کند. بقیه بندها و ماده ها بستگی به اوضاع دارد. لذا از کسانی که خصوصیات فوق را دارا می باشند هر چه زودتر تقاضا می کنم نزد بنده مراجعت بکنند تا مبادا نظرم عوض شود و آنگاه حق شکایت را نخواهند داشت.

### خشویی هستم با صفات نیک ذیل

بهاره عسکری  
سن و سال به تذکره: ۷۶ ساله؛  
اما نظر به شرایط روز، ۳۵ ساله.  
رفتار: بستگی به اوضاع دارد.  
کردار: تا خدا چه خواهد.  
قیافه: برای ترساندن اطفال مناسب است.  
تعداد دندان ها: ۳۲ دندان از پلاستیک اصل و برای جویدن دک و پوز عروس، کاملاً تیز کرده. من با مشخصات فوق، نوکری... ببخشید، عروسی می خواهم تحت قوانین و مقررات ذیل:  
**ماده اول:** زیبا، بلند قد، سفید چهره و خوش کلام باشد.  
**ماده دوم:** در مقابل امر و نهی بنده کلمه بی جز «بلی چشم»، استفاده نکند.

## سپاسگزارى

از جناب داکتر محی الدین مهدی نماینده مردم در پارلمان، جهان ها سپاس و امتنان می نمایم که در چاپ شماره های آچار خربوزه سهم گرفتند.

این در حالی است که بدون تقاضای ما و به رضایت خود شان این کار را انجام داده اند.

بعضی ها داد از فرهنگ دوستی و ادب پروری می زنند؛ اما مردانی وجود دارند که بدون لاف و پتاق، ثابت می سازند که به فرهنگ و ادب، به ویژه طنز علاقه دارند.

هیچگاه فراموشم نمی شود، زمانی که جناب داکتر صاحب مهدی در یک نهاد، رییس ما بود و بنده مسوولیت جریده دیواری را به عهده داشتم. جناب ایشان با بزرگواری که دارند، آن جریده را مطالعه و مرا تشویق می کردند.

پس از گذشت چند سالی، جناب داکتر صاحب بازهم خوشبختانه رییس ما بود و بازهم من از لطف و ذره نوازی ایشان بهره مند بودم.

و اینک بازهم...!

در اینجا بدون اجازه جناب جلال نورانی، باید یادآور شوم که جناب ایشان نیز در سه سال نخست نشرات آچار خربوزه، ما را حمایت مادی و معنوی کردند؛ اما مانع سپاسگزاری ما می شدند... حالا دیگر به اصطلاح طاقت ما طاق شد و باید از ایشان نیز امتنان نمایم.

از بارگاه یکتای بی همتا صحت سلامتی و طول عمر و خوشی این عالی جنابان را با خانواده های نجیب شان خواهانیم.

## آفرین، صد آفرین، چه میگی، چه می کنی

میم. فضلیار

آفرین! آدم های جوان و صحتمند را تقاعد می دهی.

صد آفرین! آدم های کمپیر و لرزانک را تا دم مرگ شان در چوکی های مهم می چسپانی.

★★★

آفرین! ترامپ می گوید: در افغانستان چه خبر است

صد آفرین! «بیخبر باش که خبرهاست در این بیخبری!»

★★★

آفرین! در افغانستان «فیل امریکا» در گل مانده است.

صد آفرین! «شاه فیل روسیه» آنرا از گل می کشد و از منطقه می راند.

★★★

آفرین! روسیه شکست خود را در افغانستان پذیرفته است.

صد آفرین! اشتباه شوروی را امریکا تکرار می کند.

هزار آفرین! انگریز شکست خود را قبول نکرده است و برای انتقام گیری باز آمده است.

★★★

آفرین! جان کری جان برای ما یک بینی خمیری جور کردی.

صد آفرین! کلانکاران ما بینی خمیری را از بیخ بریدند.

★★★

آفرین! حقوق پدر و مادرت را مراعات نمی کنی.

صد آفرین! از حقوق پدر و مادر دیگری دفاع می کنی.

★★★

آفرین! برای ملت گرسنه خود آش بریده نمی توانی.

صد آفرین! برای دولت های شریر چه خوب سیمیان می بری.

★★★

آفرین! به تقسیم پنجاه- پنجاه چانه می زنی و قهر و ناز می کنی.

صد آفرین! همسایه هایت از هر طرف در خاکت پیش آمده راهی استند.

★★★

آفرین! تریاک، هیرویین، افیون را قاچاق می کنی.

صد آفرین! باز می گویی مرگ به مافیای بین المللی.

سال تاسیس:

ماه حوت ۱۳۹۱ شمسی

نشانی:

عقب چک های چاه و سیم های خاردار

زیر نظر گروه نویسنده گان

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

به غیر از گردن مقاله، ملامتی سایر نوشته ها به

مسعوده خزان توحی

دستکول و خریطه نویسنده گان آن می باشد

شماره تماس: ۰۷۶۶۶۶۷۸۸۹

قیمت یک شماره:

برابر به نیم دانه پوقانه چرکستانی (۱۰) افغانی

دیزاین و چاپ

مطبعه ایازی-کابل

شماره ثبت در وزارت اطلاعات و کلتور: ۲۸ // ۶۹ حمل ۱۳۹۲ شمسی

آچار خربوزه را از این محلات می توانید به دست بیاورید:

✓ نماینده گی انجمن نویسندگان افغانستان، جوار پارک تیمورشاهی

✓ کتابفروشی بیهقی، جوار وزارت اطلاعات و کلتور

آچار خربوزه اعلانات تجارتی شما را در بدل پول افغانی می چاپد

نیراز: ۵۰۰ نسخه achar\_kharboza@gmail.com